



کتاب‌بازی‌های ما زمینه کتاب‌سازی شده است

جویا جهانبخش*



آموزشی متعدد سبب شده است تصحیح متن دست کم از حیث منفعت تحصیل به عنوان موضوعی که می‌تواند خاتمه‌بخش خوبی برای یک مقطع تحصیلی باشد، در نظر گرفته شود. تصحیح متون، هم برای مصححان درآمد ایجاد می‌کند و هم دست‌یابی به مدرک را تسهیل می‌کند. وقتی پژوهش‌های علمی، منفعت مالی پیدا کند، از انحصار خادمان راستین و عشاق آن بیرون می‌آید و به آفت‌هایی مانند کتاب‌سازی یا تقلب دچار می‌شود. متأسفانه باید گفت کتاب و عرضه متون مصحح به منفعت مالی گره خورده است.

به نظر شما کم‌رونق شدن نقد و نقادی‌های عالمانه، در این پدیده چه تأثیری داشته است؟ آیا این مسئله از عوامل تقویت این امر نیست؟

عامل دیگر، کاسته‌شدن نظارت فرهنگی است. به عللی در جامعه ما اعتنای جدی به نقد و نقادی نمی‌شود. هم نقد کم است و هم تأثیر چندانی بر جامعه مخاطبان فرهنگی نمی‌گذارد. این پدیده که به معنای کاهش نظارت جدی است، سبب شده تا بسیاری با خیال آسوده از انتقادهای دست به تولید کتاب بزنند. این افراد بیم آن ندارند که هر کتابی که تولید می‌کنند و هر غث و سمینی که به بازار عرضه می‌کنند، مورد انتقاد قرار گیرد.

ورود ناشران غیرمتخصص به حوزه نشر و اهتمام به چاپ آثار با کیفیت پایین، بر این روند چه تأثیری نهاده است؟

داد و ستد تزئینی کتاب نیز از دیگر دلایل بروز این امر است. در موارد متعددی ناشران مهمی کتاب‌هایی را عرضه می‌کنند که در آنها خبری از محتوا نیست و کمیت‌گرایی می‌کنند. در

با توجه به افزایش کتاب‌سازی در سال‌های اخیر، به نظر شما چه عللی سبب شده تا جمعی از پژوهشگران کشور به این امر مبادرت ورزند؟

باید به منظور رسیدن به دلیل این روند، پژوهش‌های جامعه‌شناختی انجام داد، ولی من گمان می‌کنم عوامل متعددی در جامعه فرهنگی ما قوت گرفته که منجر به این قضیه می‌شود. از جمله این که کتاب وسیله خوبی شده است برای کسب درآمد؛ کار قلمی مددکار برخی از دانشگاهیان و پژوهشگران رسمی و افرادی شده که می‌خواهند پول در بیاورند. متأسفانه باید گفت که نوشتن کتاب، منبع مالی شده است.

رابعه عدویه جمله‌ای دارد که می‌گوید: «می‌خواستم در نعمت بهشت آتش درزنم و بر آتش بهشت آب بریزم تا مردم خدا را برای خدا بپرستند.» استاد مجتبی مینوی در یادکرد علامه فرزانه، با اشاره به این جمله رابعه، گفته بودند که «کاش همان گونه که رابعه می‌خواست چنان کند، ما هم می‌توانستیم این کار را برای کتاب کنیم تا مردم علم را برای علم و نه بهره‌برداری از آن تحصیل کنند.»

به نظر شما حوزه‌های پژوهشی تخصصی‌تر؛ مانند تصحیح نسخ خطی هم در این امر گرفتار شده‌اند یا نه؟

در باب تصحیح هم می‌توان این موضوع را تکرار کرد. به عنوان نمونه در همین بحث تصحیح متون می‌توان گفت در سال‌های پیش، اشتغال به تصحیح متون چندان درآمدزایی نداشت؛ در حالی که در سال‌های اخیر وجود مؤسسات خاص و حمایت از این متون، سبب شد تا تصحیح متون منبع درآمد هم بشود. همچنین رونق گرفتن پایان‌نامه‌نویسی در مراکز

*. مصحح و پژوهشگر متون ادبی و دینی



کنار آن، مخاطبان فراوانی هستند که کتاب را صرفاً برای قرار دادن در قفسه کتاب خود تهیه می‌کنند. اگر هم میل به خواندن داشته باشند، دشواری‌های روزگار مجال و فرصت کافی برای خواندن به آن‌ها نمی‌دهد. بنابراین، بسیاری از آثار، چه از سوی ناشر و چه از سوی خواننده، ناخوانده باقی می‌ماند. علاوه بر این، برخی از خریده‌های نسنجیده نهاد‌های دولتی و تزریق کتاب به گوشه برخی از کتابخانه‌ها و انبارها هم به این روند ناخوانده ماندن کتاب‌ها کمک می‌کند. وقتی کتابی ناخوانده باقی بماند، اگر محتوای نادرستی و تدوین مشوشی داشته باشد، مشکلی برای آن ایجاد نمی‌شود.

به عللی بارها با این واقعیت مواجه شده‌ام که کتاب‌هایی که از مجموعه‌داران خریده می‌شود و یا در کتابخانه‌های مؤسسات قرار دارد، نو و دست‌نخورده باقی مانده است، حتی نقص‌های فرمی آن‌ها هم دیده نمی‌شود. کتابی که تنها از قفسه‌ای به قفسه‌ای دیگر یا از جایی به جای دیگر منتقل می‌شود، طبعاً کاستی‌های آن هم جلب توجه نمی‌کند. باید این واقعیت را پذیرفت که میزان تبادل میان ما بیش از میزان خوانده شدن است. ناخوانده ماندن کتاب‌ها به روند کتاب‌سازی کمک می‌کند، می‌توان گفت کتاب‌بازی ما مددکار کتاب‌سازی ما شده است.

به نظر می‌رسد بازار کتاب‌سازی در حوزه پژوهش‌های دینی هم وارد شده و با تأمل در آمار نشر آثار این حوزه، می‌توان این امر را تصدیق کرد. به نظر شما چگونه این پدیده در حوزه حساسی چون دین نیز رسوخ کرده است؟ از پرشمارگان‌ترین کتاب‌ها در ایران، کتاب‌های دینی است. رغبت فراوان خوانندگان در سطوح مختلف، از عادی تا نخبگان و روشنفکران، به مطالعه این حوزه است. خوانندگان در سطوح مختلف به اقسام گوناگون کتاب در عرصه دینی رغبت نشان می‌دهند. به همین دلیل آثار متعددی در این حوزه تولید می‌شود. از این رو، در این کثرت و به دنبال آن در کثرت منافع، کتاب‌سازی در این حوزه فراوان صورت می‌گیرد.

به گمان من مشکل عمده در عرصه منشورات دینی را باید در دو عامل جست‌وجو کرد: یکی شاخه‌ای که عوام و عوام‌زدگان را آماج حمله خود قرار می‌دهد و معمولاً هم با نیت نیکو به نشر این کتاب‌ها دست می‌یازند، ولی در درازمدت سیمای کتاب را در این عرصه دگرگون می‌سازد. اینها کتاب‌هایی

هستند که عمدتاً در مقولات عرفان، کرامات، سلوک و... با مخاطب سخن می‌گویند. در این میان، معانی ناستوار، سخنان نسنجیده و مفاهیم ناپخته و داستان‌های مجعول و روایات نامعتبر فراوان دیده می‌شود، ولی به علت نبود نقادی جدی، این گونه کتاب‌ها هم در حال افزایش هستند.

دوم کتاب‌هایی هستند که در افق‌های آکادمیک عرضه می‌شوند که از اینها می‌توان به تصحیح متون اشاره داشت، ولی چون مصححان از نیت صالحه کافی برخوردار نیستند و در کاری که می‌کنند، درآمد و منافع مادی را لحاظ کرده‌اند، گاه جعل و تزویرهای بسیار جدی در این زمینه صورت می‌گیرد.

آیا خود شما هم با چنین آثاری هم مواجه شده‌اید؟

به عنوان نمونه، متنی برای نخستین بار به صورت حروفی عرضه شده که نماینده روند فکری عصر صفوی بود. این متن پیش از این در قالب چاپ سنگی عرضه شده بود. از این لحاظ در چاپ حروفی آن انتظار می‌رفت که با کار جدی علمی روبه‌رو باشیم، اما بعد از بررسی متوجه شدیم که این هم کاری شبیه کار قبلی است و حتی با همان نسخ خطی که تصویرشان در آغاز تصحیح متن لحاظ شده بود، مطابقت ندارد.

نمونه‌های فراوان دیگری را می‌توان در این جرگه مثال زد. مصححان پرکاری که تولید انبوه را پیشه کرده‌اند، آثار را عرضه می‌کنند و به نتایج آن توجهی ندارند. شیوه‌های قدیم و ریشه‌دار را در لوازم عرضه متن و تصحیح متون در نظر نمی‌گیرند و روند کتاب‌سازی باعث شده تا سوءاستفاده دوچندان از این آشفتگی صورت بگیرد و همچنان آن بی‌مراعاتی‌ها ادامه یابد و به صورت مذهب مختار درآید.

عده‌ای برای این که بتوانند به روند تولید انبوه خود ادامه دهند و از تنگنای برخی نسخه‌بدل‌ها و پیچ‌وخم‌واژگان برهند، این بی‌مراعاتی‌ها را توجیه‌تئوریک می‌کنند. این خطری جدی است که روشمندی عرضه و عرصه متون آکادمیک را مورد حمله قرار داده و کم‌کم این روش را مختل و ناقص‌الخلقه می‌کند.

چون عرصه متون دینی کمتر با حیطة دانشگاهی و ارتقا پیوند خورده است، کمتر با این آسیب روبه‌رو می‌شویم. اگر به حیطة مقاله‌نویسی نزدیک شویم، عرصه ملال‌آور مقالات کم‌سود و کم‌پار که آکنده است از تکرارهای ناسودمند ناآگاهی‌ها در بسیاری از این مجلات، به گمان من معلول بسیاری سقیمی است که وزارت علوم در ارتقاء استادان در نظر



پیوستن به قانون حق مؤلف جهانی را باید حقوق دانان نظر دهند، اما من گمان نمی‌کنم پیوستن به آن به سود جامعه علمی ما و نشر ما باشد. با کم‌توشگی و کم‌بینگی کنونی نشر ایران، نشر ما را زمین گیر می‌کند.

داوری‌های خاص مانند داوری‌هایی که در مناسبت‌های مختلف و در جواز صورت می‌گیرد، با آسیب‌های جدی مواجه است؛ به گونه‌ای که برخی از آثاری که صلاحیت نداشته‌اند، مورد تجلیل قرار گرفته‌اند.

گرفته است. این روند، به جای علمی کردن روند ارتقای استادان، عملاً به غیرعلمی شدن پژوهش انجامیده است. امکان راه‌گشایی هست اما مطلقاً با دشوارتر شدن آن مخالفم، چون مفاسد آن بیشتر از محاسن آن است. ورود برخی از نگاه‌های سلیقه‌ای تند به حوزه فرهنگ و پژوهش، به صلاح پژوهش نیست. راه‌های فرهنگی‌تر مانند تقویت نگاه‌های نقاد و توجه دادن مردم به این سمت، به پویایی بیشتری می‌انجامد و آسیب کمتری دارد و الا با افزایش ممیزی، تنها کشاکش‌ها را در عرصه متون می‌افزاییم.

تازه‌های میراث مکتوب

با پیدایی دولت صفویه، بستری بسیار مناسب جهت گسترش فرهنگ و علوم فراهم آمد، مجاورت با ارمنستان و ارتباط با دولت‌های اروپایی این دولت را بر آن داشت که با فرهنگ مسیحی ارتباطی نزدیک یابد. در پی این رخداد تعدادی از مبشران مسیحی عازم ایران شدند و این جریان تا پایان حکومت قاجاریان نیز ادامه یافت. در این میان هنری مارتین مسیحی در سال ۱۲۲۶ ق. به جهت تکمیل ترجمه انجیل خود عازم ایران شد و رساله‌ای جنجالی در نقد اسلام به رشته تحریر درآورد. این رساله، فرهیختگان ایرانی را بر آن داشت که نقدی بر آن بنگارند که در این جریان استاد سترگ حکمت متعالیه، حکیم ملاعلی نوری نقدی فلسفی به نام حجة الاسلام ملقب به برهان‌الملة بر آن نگاشت.

حجة الاسلام (برهان‌الملة)

(کتابی در نقد گفتار هنری مارتین
مسیحی در تعرض بر اسلام)

تالیف:

حکیم متاله ملاعلی نوری
(در گذشته ۱۲۴۶ هـ.ق)

تحقیق و تصحیح:

حامد ناجی اصفهانی

چاپ اول: ۱۳۹۰

بها: ۱۰۸۰۰ تومان

